

## زندان زدایی؛ واقع بینانه، نه احساسی



مصاحبه با  
دکتر محمدرضا طاهری  
قاضی دادگستری

شخصی اینجانب و دیده‌های عینی و برخوردهایی که در طول خدمت قضایی خویش داشتم، باید گفت که زندان به هیچ وجه موفقیتی در این خصوص حاصل ننموده است.

اگر بخواهیم درصد بگیریم، نمی‌دانم که حتی زندان ده درصد منفعت داشته یا خیر؟ ولی جای این تحقیق وجود دارد که یک گروه کارشناس مالی یک زندان کوچک یا بزرگ را بررسی نماید و منافع و هزینه‌های

آن را دقیقاً معین نماید. مثلاً همین زندان قصر که چندی پیش بحمدالله تعطیل شد، بررسی گردد که در این زندان چه کسانی وارد شده‌اند و پس از طی دوران محکومیت چگونه از زندان خارج شده‌اند؟

اگرچه پاسخ به این سوال بایستی بر اساس آمار و اطلاعات دقیق باشد، ولی از آنجا که امروز آمار وجود ندارد، استنباط شخصی من به عنوان سرپرست سابق اجرای احکام تهران، این است که زندان کارنامه موفق نداشته است.

در خصوص نمره خوب زندان باید گفت که زندان توانسته برای مدت معین افراد شرور را از

جامعه جدا نماید، که از مهمترین محسنات زندان به شمار می‌رود. در حقیقت برای مدت محدودی وجود فیزیکی تعدادی از افراد ناهنجار و ناهمگون جامعه از اجتماع حذف شده است، البته خیلی از این افراد حتی در زندان هم مرتکب جرم و مشکلاتی شده‌اند. دومین اثر مثبت زندان این است که افرادی بوده‌اند که در زندان متنبه شده‌اند و متحول شده‌اند ولی تعداد این افراد بسیار محدود و معدود بوده است.

**کلاه** به نظر شما کارنامه کیفر زندان در طول ۵۰ سال گذشته، چگونه بوده است؟ نمرات خوب و بد آن در کدام موارد بوده و در چه سال‌هایی؟ آیا زندان توانسته در محدوده‌ای هر چند کوچک به کارکرد اصلاح و درمان خود نزدیک شود؟

باید توجه داشت که نسبت به هزینه‌هایی که جهت اداره زندان، چه در

حکومت ستم‌شاهی و چه در حکومت جمهوری

اسلامی ایران، انجام شده است، زندان آن نتایج مثبت و موثر خود را ایفا ننموده است. متأسفانه

ما آمار دقیقی از میزان هزینه‌های زندان نداریم؛ و آمار دقیقی وجود ندارد که در پنجاه سال پیش و یا قبل و بعد از آن که زندان‌ها و بازداشتگاه‌هایی در تهران احداث شد، تا کنون برای هر زندان چه

هزینه‌هایی انجام شده است. ضروری است که یک گروه حسابرسی و کارشناسی، محاسبه نماید که یک زندان چه هزینه‌هایی را در بردارد و در مقابل این هزینه‌ها چه تعداد زندانی یا مددجو

وارد زندان شده‌اند، مدت حبس آنان به چه میزان بوده است، و پس از آزادی از زندان دچار چه تغییری شده‌اند. مثلاً آیا زندان‌ها توانسته‌اند مددجویان یا متریبان خود را با یک حرفه یا یک فن مثل خیاطی، درودگری و ... آشنا نمایند؟ آیا زندان در طول یک دوره محکومیت کوتاه یا بلند مدت، توانسته مددجو را آماده یک زندگی شرافتمندانه نماید؟ آمار دقیقی در این زمینه وجود ندارد. ولی براساس تجربیات

نمرات بد زندان هم این است که زندان‌های ما به دانشگاه تبدیل شده است، البته از جنبه منفی. یعنی محکومین در زندان روش‌های ارتکاب جرم را که بلد نیست یاد می‌گیرد. مثلاً جاعل یا سارق آماتور در زندان به یک جاعل یا سارق حرفه‌ای تبدیل می‌شود. من افراد متعددی را دیدم که پس از آزادی از زندان چهار انگشت دستشان به یک اندازه شده بود؛ انگشتان خودشان را در زندان کشیده بودند تا به یک اندازه شود و راحت‌تر بتوانند جیب‌بری نمایند.

در داخل زندان مفاصل اخلاقی، مواد مخدر، نزاع‌های زندانیان، باند و باندازی و ... بسیار بسیار زیاد بوده است. زندان همانند یک درمانگاه بوده است که در درمان بیماران خود هیچ توفیقی نداشته است. مشکلات زندان به اندازه‌ای بوده است که برای جلوگیری از انتقال بیماری‌های چون هپاتیت و مسایل مشابه تمهیدات ویژه‌ای را در زندان‌ها در نظر گرفته‌اند.

البته باید به این نکته هم اشاره کرد که پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی انصافاً رشد کمی و کیفی در زندان‌ها به چشم می‌خورد. آشنا نمودن زندانیان با مبانی مذهبی و اخلاقی و اخروی در نوع خود کم‌نظیر است، ولی اثری که در زندان‌ها گذاشته است به گونه‌ای نبوده که چشمگیر و قابل توجه باشد.

**کواه** به نظر استاد محترم آیا می‌توان معیار دقیقی را برای تعیین جرائمی که مجازات حبس آنها قابل تبدیل به مجازات‌های دیگر است ارائه کرد؟

بله؛ می‌توان معیار دقیقی ارائه داد. باید توجه کرد که مجازات جرائم کم اهمیت و غیر مهم نباید حبس باشد و یا حداقل حبس به صورت فعلی نباشد. چرا کسی که به دلیل تصادف رانندگی نتوانسته دیه بپردازد به زندان محکوم می‌شود؟ آیا کار اجباری بهتر از زندان اجباری نیست؟ بهتر نیست که فرد محکوم به کار اجباری گردد و از محل درآمد آن زندگی خود محکوم و خانواده وی و خسارات مصدوم و هزینه‌های خانواده وی تأمین گردد؟ آیا نمی‌توان امکان دیگر را به زندان تبدیل کرد؟ امروزه در دنیا از حبس در منزل استفاده می‌کنند و یا فرد را محکوم می‌کنند که برای مدت معین هر روز ۸ ساعت در اماکنی مثل کتابخانه یا فرهنگسرا یا سایر اماکن عمومی، حاضر شود و اقدامات خاصی مثل فیش‌برداری و ... را انجام دهد. ما

باید قفس زندان فعلی را بشکنیم. همچنین این سوال مطرح می‌شود که می‌توان زندان خصوصی تأسیس نمود که باید آن را به بوته آزمایش و نظرسنجی گذاشت.

بنابراین معیار حذف زندان را باید جرائم کم اهمیت قرار داد و معیار جرائم کم اهمیت هم عرف است. باید دید عرف چه جرائمی را دارای اثر تخریبی اندکی می‌داند. چرا کسی که نتوانسته نفقه همسرش را بپردازد باید زندانی شود؟ آیا زندانی کردن تارک نفقه برای زوجه نفقه به همراه می‌آورد؟ چرا در محکومیت‌های مالی از زندان استفاده می‌کنیم؟ به طور کلی می‌توان گفت در عموم مسائل حقوقی و محکومیت‌های مالی، جرائمی که احساسات عمومی جریحه دار نمی‌شود، جرائم غیرعمدی و تصادفات رانندگی،

**معیار حذف زندان را باید جرائم کم اهمیت قرار داد و معیار جرائم کم اهمیت هم عرف است. باید دید عرف چه جرائمی را دارای اثر تخریبی اندکی می‌داند.**

**اعمال مجازات‌های جایگزین حبس در کشور ما امکان‌پذیر است. مردم ما یک مردم سنتی، عرفی، اخلاقی و مسلمان هستند. با این زمینه‌های اخلاقی که در مردم ما وجود دارد، به راحتی می‌توان از جایگزین‌های مجازات حبس استفاده نمود.**

می‌توان مجازات زندان را حذف کرد و از مجازات‌های دیگر استفاده نمود و بایستی زندان را فقط به جرائم مهم محدود نماییم.

**کواه** آیا در افق کوتاه مدت یا حتی بلندمدت، می‌توان امید به اصلاح وضعیت فعلی مجازات زندان داشت؟ آیا مجازات‌های جایگزین حبس در ایران عملاً قابل اعمال است؟ کدام یک با شرایط بومی و فرهنگی ایران سازگار است؟ موانع اجرای آن چیست؟

پاسخ منفی است؛ زیرا ما از ابتدا بنای زندان را به صورت صحیح قرار نداده‌ایم و «خشت اول گر نهد معمار کج تا اثری می‌رود دیوار کج» بودجه‌های اختصاص یافته به زندان، توقعات مردم از زندان، توقع مسئولین از زندان و توقع زندانیان از زندان به گونه‌ای است که وضعیت فعلی زندان نمی‌تواند آن

را برآورده سازد و اگر بخواهیم وضعیت زندان را اصلاح نماییم نیاز به یک اصلاح و رفرم جدی داریم.

در پاسخ به قسمت دوم این سوال هم باید گفت که اعمال مجازات‌های جایگزین حبس در کشور ما امکان‌پذیر است. مردم ما یک مردم سنتی، عرفی، اخلاقی و مسلمان هستند. با این زمینه‌های اخلاقی که در مردم ما وجود دارد، به راحتی می‌توان از جایگزین‌های مجازات حبس استفاده نمود. این افراد برای هر امری مستحق زندان نیستند. البته شکی نیست که زندان برای افراد خاصی باید وجود داشته باشد، ولی عمده افرادی که در حال حاضر در زندان هستند، مستحق زندان نیستند و در مورد آنان می‌توان از مجازات‌های جایگزین استفاده نمود. مجازات‌های جایگزینی چون حبس در منزل، حبس در محل کار، یادگرفتن زبان انگلیسی، حفظ قرآن، حفظ شعر و ... می‌تواند به تناسب در مورد افراد مختلف مورد استفاده قرار گیرد. به خاطر داشته باشیم که «من احیی نفساً فکانما احیی جمیع الناس» اگر بتوان به وسیله این جایگزین‌ها حتی یک نفر را اصلاح کرد، آنچنان ارزشی دارد که مانند این است که همه مردم را اصلاح کرده باشیم.

بنابراین با توجه به اینکه اصلاح محکومین تا کنون در زندان امکان‌پذیر نبوده است، برای نیل به این هدف باید به سراغ مجازات‌های جایگزین رفت. موارد متعددی از جایگزین حبس در ایران قابل اعمال است، مثل حبس در کتابخانه روزی شش ساعت به مدت معین. ممکن است این فرد در روزهای اول در این محیط چرت بزند ولی کم کم می‌تواند از این محیط استفاده نماید، روزنامه بخواند یا کتاب بخواند و ... بایستی یکی از وظایف سازمان تبلیغات اسلامی یا وزارت ارشاد این باشد که محل‌هایی را پیش‌بینی نماید، که افراد محکوم مدتی را در آنجا بگذرانند و تحت تعلیم و آموزش قرار گیرند.

در خصوص مجازات‌های جایگزین بومی ایران باید توجه نمود که با توجه به شرایط خاص ایران از نظر تنوع آب و هوایی و اقوام مختلف، می‌توان به فراخور حال هر منطقه مجازات‌های جایگزین را پیش‌بینی نمود. در مناطقی که کشاورزی رونق دارد مجرمین را به کشاورزی یا باغداری اجباری در زمین‌های عمومی یا وقف محکوم نمایند. در مناطق ساحلی شمال و جنوب می‌توان افراد به صیادی اجباری یا تمیز نمودن مناطق

می‌شوند بایستی افراد آموزش دیده باشند و نحوه برخورد با یک بزه‌کار را بدانند؛ ولی باید زندان را به گونه‌ای تنظیم کرد که از صبح تا غروب آن آموزش باشد. باید تعیین کرد که زندانی تنها در صورت گذراندن مقدار معینی آموزش و تحت شرایط خاص می‌تواند از مرخصی استفاده نماید.

البته باید توجه نمود که در حال حاضر هزینه‌های زندان متوجه دولت است. جایگزین‌های حبس هم هزینه دارد، ولی در مورد بسیاری از جایگزین‌ها محکوم با کاری که انجام می‌دهد، می‌تواند بخشی از هزینه‌های مجازات را خودش پرداخت نماید. ولی در هر حال جامعه باید غرامت زیان اجتماعی را متحمل شود، ولی اعمال مجازات‌های جایگزین این مزیت را دارد که می‌توان از کار محکوم (محکومیت به خدمات عام‌المنفعه) نفعی را عاید جامعه نمود و یا از درآمد محکوم بخشی را به عنوان مالیات و هزینه‌هایی که برای او انجام شده کسر نمود. در پایان این نکته را یادآور می‌شوم که در بحث زندان‌زدایی نباید احساسی عمل کرد، بلکه بایستی واقع‌بینانه به موضوع نگریست. ◀

باید مرخصی دهیم، عفو دهیم و دسته دسته آنها را آزاد کنیم که در محیط زندان نباشند. شرایط ما و شرایط غرب کاملاً متفاوت است و در حال حاضر باید دو رویکرد متفاوت داشته باشیم. ولی می‌توانیم از تجربیات آنان در مجازات‌های جایگزین مثل حبس در خانه، حبس در محل کار و ... استفاده کنیم.

## گواه موضوع حبس‌زدایی با چانه‌نگیزه‌هایی در جامعه ما مطرح می‌شود. جایگاه عوامل اقتصادی در این میان کجاست؟

شکی نیست که زندان هزینه‌های اقتصادی بسیار زیادی دارد. البته ما نباید از هزینه‌ها بترسیم و زندان را فقط به خاطر هزینه‌های آن کنار بگذاریم، ولی باید این هزینه‌ها را درست مصرف کنیم. ما باید ضمن اینکه در راستای آموزش عمومی مردم گام برمی‌داریم و در این راه هزینه می‌کنیم، در صورت لزوم برای زندان هم باید هزینه کرد، البته در مواردی که ضروری باشد. زندانی در بسیاری از زندان‌ها از صبح تا شب حیران، سرگردان و بی‌کار است، هیچ برنامه خاصی برای آن ندارند. افرادی که برای آموزش زندانیان انتخاب

عمومی ساحلی محکوم نمود. وقتی فرد مجرم محکوم به کار شود و جامعه از درآمد عمل او به عنوان جریمه استفاده نماید، به مراتب بهتر از این است که فرد از صبح تا شب وقت خود را در زندان سپری نماید و در این محیط به جرایم و فسادهای دیگری نیز بپردازد. کار اجباری به هر حال مجازات محسوب می‌شود و زمینه را برای جبران ضررهای خصوصی و عمومی ناشی از جرم فراهم می‌آورد.

## گواه با توجه به رویکردهای نوین در خصوص لزوم بازگشت به کیفر و تأکید بر جنبه سزادهی و اخلاقی کیفر در غرب (به خصوص در ایالات متحده) آیا باز هم از نظر علمی می‌توان بر لزوم کارکرد اصلاحی زندان تأکید کرد؟ و یا اینکه با توجه به شکست رویکرد اصلاح و درمان در غرب، و تغییر نگاه اصلاحی به زندان به نگاه صرفاً سزاده، باید بحث زندان‌زدایی را منتفی دانست؟

برای پاسخ به این سوال باید به این مقدمه توجه نمود که در اروپا و آمریکا در حذف مجازات حبس و زندان‌گریزی افراط کردند و ما بر عکس در استفاده از زندان مجازات زندان افراط نمودیم؛ همان‌قدر که آنان از زندان‌گریزان بودند، ما به استفاده از زندان تمایل داشتیم. در حقیقت بازگشت به زندان در غرب نتیجه زیاده‌روی آنان در حذف مجازات زندان است. غربی‌ها این قدر به زندان‌گریزی روی آوردند که اکنون به سوی سزادهی متمایل شده‌اند. ما نیازی به استفاده از این تفکر غربی‌ها نداریم. ما این قدر از زندان استفاده نموده‌ایم که ضروری است، استفاده از حبس را کاهش دهیم. البته می‌توانیم از تئوری‌های غربی‌ها و تجربیات آنان در کاهش مجازات حبس و بازگشت به کیفر حبس استفاده نماییم. ولی باید گفت که ما در حذف مجازات حبس دچار افراط نشده‌ایم که اکنون مجبور باشیم رویکرد مفرطانه خود را به جای اصلی بازگردانیم. ما بر عکس از طرف زندان‌دهی دچار افراط شده‌ایم و برای ساده‌ترین امور از مجازات حبس استفاده کرده‌ایم، ما باید به سوی کاهش زندان گام برداریم و البته اگر هم در مواردی به این نتیجه رسیدیم که باید رویکرد سزادهی داشته باشیم باید به آن عمل نماییم. در حقیقت تأسی ما از غربی‌ها در سزادهی و زندان‌دهی درست نیست، زیرا ما آن قدر زندان داده‌ایم که امروز برای خالی کردن زندان



## نحوه ارسال مقالات برای فصلنامه گواه:

فایل مقالات و مطالب خود را به صورت تایپ شده با برای آدرس پستی یا آدرس الکترونیکی ما ارسال نمایید. مقالات پس از ارزیابی توسط داوران نشریه در صورت تأیید منتشر خواهد شد.

### نشانی پستی:

بزرگراه چمران، پل مدیریت، دانشگاه امام صادق (ع)، دانشکده حقوق، دفتر نشریه گواه

نشانی الکترونیکی: govah.net@gmail.com

## گواه

### راهنمای تنظیم و ارسال مقالات

- ۱ - حجم مقاله از ۱۵ صفحه A<sub>۴</sub> فراتر نرود.
- ۲ - برای سهولت ارزیابی و ویرایش، مقاله بر یک روی کاغذ A4 و با رعایت فضای مناسب در حواشی برگه و میان سطرها، تایپ (به همراه Disk یا CD) ارائه شود.
- ۳ - درج نام نویسنده همراه با میزان تحصیلات، نشانی و تلفن محل اشتغال یا منزل، دورنگار و آدرس پست الکترونیکی بر روی برگه‌ای جداگانه الزامی است.
- ۴ - مقاله‌های ارسالی از حیث ساختار لازم است مشتمل بر بخش‌های زیر باشد:  
**الف) چکیده فارسی:** (حدود ۱۵۰ تا ۲۰۰ کلمه)، واژه‌های کلیدی و معادل انگلیسی آن، مقدمه و نتیجه‌گیری.  
**ب) پی‌نوشت‌ها:** توضیحات بیشتر، از جمله معادل خارجی اسامی و اصطلاحات مهم یا مهجور، با عنوان «پی‌نوشت‌ها» در انتهای مقاله آورده شود.  
**ج) منابع و مأخذ:** فهرست منابع فارسی و غیرفارسی در پایان مقاله، به طور جداگانه (در ادامه همدیگر - اول منابع فارسی و در ادامه غیرفارسی) به ترتیب حروف‌الفباء آورده شود.  
کتاب: نام‌خانوادگی، نام نویسنده (سال انتشار)، نام کتاب، نام مترجم، محل انتشار، نام ناشر، نوبت چاپ، شماره جلد.  
مقاله: نام‌خانوادگی، نام نویسنده (سال انتشار)، «عنوان مقاله»، نام نشریه، شماره نشریه.  
**د) ارجاع‌های درون متنی، پس از نقل مطلب به صورت زیر آورده می‌شود:**
  ۱. منابع فارسی: (نام خانوادگی، سال نشر: صفحه)
  ۲. منابع لاتین: (صفحه: سال نشر، نام‌خانوادگی).
- ۵ - گواه در اصلاح و ویرایش مطالب و نیز نحوه چینش مقاله‌ها آزاد است.
- ۶ - در ترجمه مقاله، اصل متن همراه ترجمه ارائه شود.
- ۷ - مسئولیت محتوای مقاله‌ها بر عهده نویسنده است.
- ۸ - مقاله‌های ارسالی بازگردانده نمی‌شود.
- ۹ - مقاله‌های برگرفته از پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد در اولویت نشر قرار دارند.
- ۱۰ - مقاله‌های برگرفته از پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و یا مقاله‌های تألیفی و یا ترجمه‌ای نویسندگان، در صورت واجد بودن شرایط و تأیید داوران و ارزیابان علمی قابل چاپ می‌باشد.